

آنسو ی آب

رقیب جدید برای هاروارد و آکسفورد

■ دلی میل: یک دانشگاه خصوصی در انگلیس که شهریه سالیانه آن ۱۸ هزار پوند است، برای رقابت با دانشگاه‌های بزرگ انگلیس مثل آکسفورد و کمبریج به دنبال استخدام بهترین اساتید انگلیسی است. طرح این دانشگاه از روی کالج‌های هنری تیزهوشان آمریکایی در پنسیلوانیا و ویرجینیا بر داشته شده است و طبق برنامه سرمایه‌گذاران خصوصی این دانشگاه، ۱۴ استاد بسیار معروف در رشته‌های زبان انگلیسی، تاریخ، فلسفه، اقتصاد و حقوق تدریس خواهند کرد. از ماه آینده این دانشگاه که در لندن واقع شده، از دانشجویان علاقمند برای دوره‌های سه ساله که از سال ۲۰۱۲ شروع خواهد شد، امتحان می‌گیرد. طبق گزارش روزنامه سلساندی تایمز ظرفیت پذیرش اولیه این دانشگاه ۲۰۰ نفر است که ممکن است ظرفیت آن افزایش یابد. از هر دانشجو هم یک نفر بورسیه خواهند شد و نیازی نیست برای تحصیل در این دانشگاه مبلغی پرداخت کنند. طبق گفته پروفیسور گرزیلینگ یکی از اساتید این دانشگاه، برنامه‌های زیادی برای دانشجویان این مرکز آموزشی در نظر گرفته شده و برای شروع به کار آن سرمایه ۱۰ میلیون پوندی در نظر گرفته شده که توسط اساتید دانشگاهی و یک زوج سویسی مولتی میلیاردر تامین شده است. گفته می‌شود این دانشگاه می‌تواند سقف قرارداد را برای بعضی از اساتیدش رعایت نکند و به آنها ۲۵ درصد بیشتر از رقم عرف پرداخت کند.

موبایل‌های قاتل

■ دلی‌میل: اگر اهل استفاده از هویپاما هستید، حتما در طول سفرهایتان با افرادی روبه‌رو شده‌اید که داخل هویپاما از موبایل یا وسایل الکترونیکی استفاده می‌کنند. لطفاً یاد به این افراد نزدیک نشوید چون آنها قاتل هستند! تعجب نکنید؛ چرا که طبق تحقیقات انجام شده، استفاده از موبایل یا وسایل الکترونیکی در طول پرواز می‌تواند باعث خراب شدن سیستم الکترونیکی هویپاما شود که نتیجه آن را خودتان می‌دانید. حتی پخش کننده موسیقی هم برای خلبان خطرناک است؛ چرا که سیگنال‌های آن سیستم پرواز اتوماتیک هویپاما و سیستم هشدار را فعال می‌کند. ضمناً این وسایل سیستم مسیریابی را هم مختل می‌کنند و توان به وجود آوردن فاجعه را دارند. در



این تحقیق که به وسیله اتحادیه بین‌المللی حمل و نقل هوایی انجام شده بود، مشخص شد که طی شش سال ۷۵ سانحه هوایی به وجود آمد که دلایش استفاده از موبایل و وسایل الکترونیکی بود. کارشناسان بارها به مسافران توصیه کرده‌اند که هشدارهای لازم در مورد خاموش کردن موبایل و سایر وسایل الکترونیکی‌شان را جدی بگیرند و گرنه باید انتظار هر گونه حادثه دلخراش را داشته باشند. آزمایش‌های محرمانه‌ای که روی هویپاماهای بوئینگ انجام شده، نشان داده که خطرناک‌ترین وسیله الکترونیکی آی‌پد است و بعد از آن گوشی‌های آیفون. قاتل هویپاماست. به گزارش شبکه ای‌بی‌سی-ز مجموعه ۷۵ سانحه هوایی، ۲۶ مورد سیستم خلبان خودکار را راه انداخته، ۱۷ مورد مسیریابی هویپاما را مختل کرده، ۱۵ مورد به سیستم‌های ارتباطی هویپاما حمله کرده و ۱۳ مورد دیگر هم باعث اشتکالات فنی شده. دیو کارسون، یکی از مسوولان بوئینگ که روی این پرونده کار کرده، اظهار امیدواری می‌کند که مسافران به توصیه‌های لازم گوش کنند: «همه چیز بستگی به شرایط دارد. ممکن است بعضی مواقع، موبایل‌ها هیچ خطری نداشته باشند اما گاهی اوقات احتمال هر اتفاقی وجود دارد.»

تغییر لهجه بعد از تعویض دندان

■ دلی تلگراف: در یک اتفاق عجیب و نادر در آمریکا زنی بعد از انجام عمل جراحی دندان تغییر لهجه داد. کارن باتلر تا امروز به اروپا سفر نکرده اما جالب اینکه او لهجه اروپایی غلیظی دارد. این زن ۵۶ ساله که در اداره مالیات کار می‌کند هیچ وقت فکرش را نمی‌کرد که یک عمل جراحی ساده زندگی او را دگرگون کند. او با دندان مصنوعی‌های جدیدش دیگر لهجه آمریکایی ندارد و مثل مردمان اروپای شرقی صحبت می‌کند. او در سال ۲۰۰۹ به خاطر التهاب لثه مجبور به تعویض دندان‌هایش شد. یک هفته بعد از این عمل اگرچه مشکل ورم لثه او حل شد اما اتفاق جدیدی افتاده بود و لهجه کارن عوض شده بود. او به دندان‌پزشکش مراجعه کرد و جواب شنید که این مشکل موقتی است و او سه محض عادت کردن به دندان‌های جدیدش می‌تواند مثل سابق صحبت کند اما مدت‌ها گذشت و هیچ تغییری در لهجه کارن ایجاد نشد. نهایتاً او تصمیم گرفت شخصاً مشکلتش را پیگیری کند و بالاخره متوجه شد که دچار نوعی اختلال در لهجه‌اش شده. بیماری نادری که افراد بسیار کمی در جهان به آن مبتلا شده‌اند این اختلال عموماً نتیجه صدمات مزمنی است و اکثر پزشکان مغز و اعصاب در بین مریض‌هایشان با چنین افرادی روبه‌رو شده‌اند. دکتر لاتسپ متخصص اعصاب در مورد این قضیه می‌گوید: «هنوز دقیقاً دلیل و چگونگی به وجود آمدن این اختلال مشخص نشده اما آن چیزی که قطعی است طبیعی بودن آن است و اینکه خود افراد هیچ نقشی در آن نداشته‌اند.» اما کارن باتلر می‌گوید که تا امروز هیچ مشکل عصبی نداشته البته بارها تلاش کرده تا از مغزش اسکن کند اما از آنجایی که بیمه درمانی او هزینه‌های این کار را نمی‌دهد او قید اسکن را زده است. او که مشکلی با لهجه جدیدش دارد در هنگام صحبت کردن متوجه این قضیه نشده و تنها می‌فهمد که برخی کلمات را طور دیگری تلفظ می‌کند.

دنیاگردی

هیچ اقدام خیر خواهانه کوچک نیست

نیکو کارترین توریست جهان

ترجمه: دکتر امیر صدری



عکس: کریستین ساینس ماینیور

بلافاصله پس از بازگشت به آمریکا گلو از تمام دوستان و آشنایانش خواست که مقداری، ولو اندک به او کمک کنند. بعد با دو هزار و ۲۰۰ دلار به هند برگشت و آنجا NGO موسوم به «صد دوست» را برای کمک به افراد نیازمند و فقیر پایه‌گذاری کرد. حالا ۳۰سال پس از پایه‌گذاری این انجمن بیش از چهار هزار نفر عضو در سراسر جهان دارد، تنها در سال گذشته گلو توانست بیش از ۲۰۰ هزار دلار اعانه جمع‌آوری کند. او حالا یک دفتر کار پرتابل دارد:

یک لپ‌تاپ، یک دوربین دیجیتال و یک تلفن همراه، سایر وسایل زندگی او در دو ساک جمع می‌شود؛ چند پیراهن و شلوار، مدارک موسسه خیریه و ماسک‌هایی که به کار خندانن و سرگرم کردن بچه‌ها می‌آید: «من زندگی راحتی دارم، تمام چیزهایی که در زندگی ما به آنها نیاز دارم، در این ساک‌ها هست.»

شان بیسانول، موسیقیدان اهل فیلادلفیا که در سفر اخیر گلو به هندوستان (که سیزدهمین سفر او به این کشور محسوب می‌شد) وی را همراهی کرده، می‌گوید: «خوبی کار او این است که کمک‌ها را مستقیماً به دست کسانی که واقعاً نیازمند کمک هستندی می‌رساند.»

گلو می‌گوید: تاثیرگذارترین پولی که تاکنون گرفته، یک اسکناس یک دلاری بوده که یک دانش‌آموز کلاس پنجم در نیویورک به او داده: «این پول ناهار آن پسر بچه بود، من آن اسکناس را در جیبم گذاشتم و بعد در کابل با آن برای یک کودک فقیر یک فخت کفش خریدم، حالا مطمئن هستم که آن پسر کلاس پنجم خوشحال است.»

جی‌پو هند هم محصول یک سال برنج کشاورزان فقیر را پیش خرید کرد تا وضعیت مالی آنها بهبود پیدا کند؛واقعیت این است که او به ندرت در این اقدامات انسان‌دوستانه خود، بیش از چند صد دلار یکجا هزینه می‌کند. خودش می‌گوید: «برای آدم‌هایی که روزی با یک دلار یا کمتر زندگی می‌کنند، ۵۰ دلار پول مثبت زیادی بگذارد.» گلو در ادامه حرف‌هایش می‌گوید که در برخی مناطق جهان می‌توان تنها با ۱۰ دلار کودکی را به مدرسه فرستاد. بعد می‌گوید: «در آمریکا یک آب نبات را به قیمت یک دلار می‌خری، اما در جایی از جهان می‌توانی با یک دلار زنی را از مرگ نجات بدهی.»

داستان کارهای انسان‌دوستانه این مرد در سال ۱۹۸۹ آغاز شد، زمانی که او به عنوان یک توریست به منطقه دارجلینگ در دل کوه‌های هیمالیا در هند رفته بود. آنجا او با یک مرد تبتی جوان آشنا شد که در کمپ پناهندگان زندگی می‌کرد. زن این مرد جوان درد گوش داشت و شنوایی خود را از دست داده بود، گلو که یک روانشناس بود، فکر کرد می‌تواند برای این زن کاری بکند: «با هزینه کردن یک دلار، توانستم او را پیش یک متخصص گوش ببرم، با هزینه کردن ۳۰ دلار دیگر شنوایی آن زن جوان برگشت و او دوباره توانست صداهارا بشنود.»

این اتفاق باعث شد که گلو با لذت انجام کارهای نیکوکارانه آشنا شود: «تا آن موقع فکر می‌کردم که برای انجام کارهای نیکوکارانه باید نرئتمند باشی اما بعد فهمیدیم که هر کسی می‌تواند کاری کند که روی زندگی دیگران مفید باشد.»

ازدواج‌هایی به قیمت از دست رفتن زندگی

دخترانی که در ۵سالگی عروس می‌شوند

ترجمه:ر امین طبرسی

مردی که ۲۰ سال از او بزرگ‌تر بود، درآورده بود، از خانه فرار کرد تا راهی برای طلاق پیدا کند. نجود تبدیل به یک چهره بین‌المللی شد و مردم را متوجه شرایط فجیع دختران مرد ۵۰ ساله اشاره کرد. خواهر این دختر – که عایشه نام دارد – به خبرنگاران خارجی گفته بود که خواهرش بعد از دیدن مردی که قصد ازدواج با او را دارد، از ترس شروع به جیغ زدن کرده بود. شخصی به پلیس خبر داده بود تا جلو این ازدواج را بگیرند اما پدر عایشه دخترش را مجبور کرد تا کفش پاشنه بلند بپوشد تا قندش بلندتر شود و صورتش را بپوشاند. پدر عایشه تهدید کرده بود در صورتی که پلیس او را ببرد در راه بازگشت عایشه را خواهد کشت.

حالا این دختر بیچاره دور از خانواده زندگی می‌کند و تنها دلخوشی‌اش داشتن موبایل است تا از طریق آن با خانواده‌اش تماس بگیرد و گریه‌هایش را با آنها تقسیم کند. دختری که در سن پایین صاحب فرزند می‌شوند، هم جان خودشان را به خطر می‌اندازند هم جان فرزندان‌شان را. تمام آنها خوب می‌دانند که کار راحتی در پیش رو ندارند و نمی‌توانند یکروزه فرهنگ مردم سنتی را عوض کنند.



عکس: مردم سنتی را عوض کنند.

جایی در دور دست

جروم آکسمان
مردی که عاشق وسایل جنگی است
از سمساری تا موزه جنگ

ترجمه: امین دانشور

■ لس آنجلس تایمز – برای سال‌ها یکی از سری‌ترین اسلحه‌های جنگ جهانی دوم در گوشه مغازه جروم آکسمان خودنمایی می‌کرد. مغازه‌ای که شباهت زیادی به موزه جنگ دارد و بسیاری از ابزارهای جنگی کمیاب را می‌توان در آن پیدا کرد. از دوربین‌های نظامی گرفته تا تکنولوژی‌های ویژه نیروی هوایی آمریکا که ارزش آنها به پول امروز ۱۲۲ هزار و ۴۰۰ دلار است اما جروم آنها را به قیمت بسیار پائینی خریده و هر کدام از این وسایل تنها ۱۰ دلار برایش آب خورده. البته او باید مدیون کارفرمایش – که صاحب سمساری بود – باشد که ادوات جنگی دهه ۵۰ میلادی را برای او می‌فرستاد تا کلکسیون آنها را جمع کند. یک بمب انداز قدیمی جزو اولین و شاخص‌ترین وسایلی است که جروم از ۷۰ سال گذشته تا امروز آنها را جمع کرده. او در سال ۱۹۶۱ سمساری خودش را باز کرد و اکثر وقتش را در حراج‌هایی می‌گذراند که مربوط به وسایل اینچنینی بود. او دست روی چیزهایی می‌گذاشت که جذابیت آنچنانی برای دیگران نداشت. کار به جایی رسید که او باید هر روز به مشتریان مغازه‌اش در مورد هدفتش از جمع کردن این همه ابزار جنگی توضیح دهد و در نهایت او تصمیم گرفت تا موزه جنگی خودش را افتتاح کند. حالا که جروم در آستانه ۹۶ سالگی است موزه او هنوز هم پذیرای وسایلی است که با سایر عتیقه‌های او جور باشند.

جلوی ورودی موزه، اتاقک خلبان بمب‌افکن بی‌۱۷ تعبیه شده که هر بازدیدکننده‌ای دوست دارد چند دقیقه‌ای وارد آن شود و در رویاهایش خلبانی را تجربه کند. آکسمان این اتاقک را در سال ۱۹۶۳ با قیمت ۱۰۰ دلار از باستان شناسانی که لاشه آن را پیدا کرده بودند، خرید.



روی یکی از دیوارها انواع و اقسام بمب‌های قدیمی و بوکه گلوله دیده می‌شود و طرف دیگر از روزنامه‌های قدیمی و وسایلی است که مربوط به دهه ۴۰ و بعد از آن می‌شود. از چکمه‌های سربازی گرفته تا ابزارهایی که سربازان آن زمان استفاده می‌کردند. کمی آن‌طرف‌تر یک قطعه کامپیوتری که در هواپیماهای جنگی به کار می‌رفت خودنمایی می‌کند. در بین هزار و ۵۸۰ وسیله‌ای که در این موزه وجود دارد، اسلحه‌های قدیمی هم جایگاه ویژه خودشان را دارند. این وسط یک زوئیم مخصوص صید ننگ که در سال ۱۸۶۲ در نوین ساخته شده، گل سر سبد عتیقه‌های این موزه است. وسایلی که آکسمان در موزه‌اش داشته آنقدر قدیمی و نایاب است که خیلی از بازدیدکنندگان فکر دیدن آنها را نمی‌کردند. البته بعضی از اشیای موزه به عنوان وسیله تفریحی استفاده می‌شود، مثل صندلی‌های قابل پرتاب خلبانان که مردم می‌آیند روی آن می‌نشینند تا بدون این تجربه! موزه را ترک نکرده باشند. موزه آکسمان کنار سمساری او قرار گرفته که به صورت خانوادگی اداره می‌شود. جروم که ۶۳ سال از ازدواجش می‌گذرد سه پسر دارد که کوچک‌ترین آنها برایان ۵۹ ساله است. او به عنوان وکیل مدافع پرونده چهره‌های معروفی را بررسی کرده است. خانواده آکسمان در این سال‌هایی که وارد حرفه موزه‌داری شدند لحظات بی‌ظنیری را تجربه کردند که آخرین آن دیدار با یک چترپاز ۸۸ ساله بود که در جنگ جهانی دوم شرکت کرده بود. میریام همسر جروم هم مثل شوهرش عاشق این کلکسیون بی‌ظنیر جنگی است. تا حالا افراد زیادی پیش آکسمان آمده و به او پیشنهاد خرید کلکسیونش را داده‌اند اما او به جز یکبار حاضر به قبول این پیشنهادات نشد. آن یکبار هم زمانی بود که او چهار موتور بمب افکن بی‌۱۹ را به گروهی فروخت که به دنبال بازسازی این هواپیما بودند البته آکسمان هنوز چهار موتور برای موزه شان برنامه‌های ویژه‌ای دارند. قرار است او در روز تولدش برای میهمانان موزه‌اش تور بگذارد و خودش در مورد اشیای موزه و قیمت پائینی که برای خرید آنها هزینه کرده، صحبت کند. اولین باری که آکسمان مجذوب ادوات جنگی شد، به زمان خدمت او در ارتش آمریکا برمی‌گردد. جروم در زمان جنگ جهانی دوم در ایران خدمت می‌کرد و از آن زمان به بعد زندگی‌اش با وسایل جنگی گره خورده. البته او هنوز به دنبال تکمیل کردن کلکسیونش است، هر چند که می‌داند برای پیدا کردن وسایلی که در انبارهای ارتش نگهداری می‌شود کار سختی خواهد داشت.